

شناسایی وضعیت روحیه کار آفرینی روستائیان بخش مرکزی شهرستان باوی

بهمن خسروی پور^{۱*}، بهنام همتی^۲، سمیرا جابری^۳، امید مهرباب قوچانی^۴

- ۱- استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان،
- ۲- کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان،
- ۳- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.

نویسنده مسئول:

khosravipour@ramin.ac.ir

چکیده

از آن جا که در اکثر مناطق جهان، روستاها از جمله نواحی فقیر در حال فرسایش محسوب می‌شوند؛ اندیشمندان و سیاست‌گزاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی به امر توسعه‌ی روستایی و رفع مشکلات و معضلات آن دارند. یکی از مهم‌ترین این معضلات مشکلات اقتصادی یا کمبود درآمد می‌باشد؛ این در حالی است که مطالعات مختلف نشان می‌دهند که راهکار مهم توسعه اقتصادی - چه در شهرها و چه در روستاها- ایجاد اشتغال و مهم‌ترین ساز و کار و ابزار آن، کار آفرینی می‌باشد. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی وضعیت روحیه‌ی کار آفرینی روستائیان بخش مرکزی شهرستان باوی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را ساکنین روستاهای بخش مرکزی شهرستان باوی (۱۵۴۱۱ نفر) تشکیل می‌دهند. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۱۴ نفر به صورت کاملاً تصادفی انتخاب گردیدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخت بوده که روایی ظاهری و محتوایی آن به وسیله‌ی جمعی از اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، و پایایی سوالات پرسشنامه نیز به وسیله محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷) از طریق ۳۰ عدد پرسشنامه‌ای که توسط کشاورزان شهرستان اهواز تکمیل گردیده‌بودند، مورد تایید قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسشنامه توسط نرم افزار SPSS (V20) مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پنج متغیر روحیه‌ی کارآفرینی که با استفاده از مرور منابع به‌دست آمده بودند در نمونه‌ی مورد پژوهش بررسی شده و نتایج نشان داد که میان تمامی متغیرهای بررسی شده‌ی روحیه کارآفرینی، رابطه آماری معنی‌داری با احتمال ۹۹ درصد وجود دارد. مطابق نتایج به‌دست آمده، بین میانگین متغیرهای استقلال‌طلبی و توفیق‌طلبی بر حسب شغل پاسخگویان و میانگین متغیرهای استقلال‌طلبی و اعتماد بنفس بر حسب سابقه کار کشاورزی آن‌ها تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه: روحیه کارآفرینی، روستائیان، شهرستان باوی.

یکی از چالش‌های مهم جوامع انسانی به ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینی‌تر شدن فعالیت‌ها، تأمین اشتغال است. علاوه بر این، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاستگذاری‌ها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد، زیرا رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). در ایران، شتاب نسبی رشد مناطق شهری بر پایه تولیدات صنعتی و توسعه بخش‌های خدماتی و از سویی توجه کمتر به مناطق روستایی، بر مشکل فوق، افزوده و باعث سرازیر شدن حجم عظیمی از نیروی کار و جمعیت جویای کار از روستاها به مناطق شهری و حاشیه‌ی شهرها و به تبع آن پیدایش قشر عظیمی از جمعیت بیکار و بوجود آمدن نابرابری سطح درآمدها در مناطق شهری و روستایی کشور شده است (اعظمی و خاکی، ۱۳۹۳). پدیده‌ی بیکاری یکی از معضلات مهم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که موجب بروز ناهنجاری‌های متعددی درون جامعه می‌شود. جامعه ما نیز با مسأله‌ی افزایش تعداد بیکاران مواجه است و اگر با این پدیده از ابتدا و به صورت ریشه‌ای مقابله نشود، بحران‌های بزرگ‌تر و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت، که رویارویی با آن‌ها نیازمند صرف وقت و انرژی بسیار است و توان بالایی را می‌طلبد (آمدی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ به گونه‌ای که در دهه‌ی اخیر یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های مسئولان و متولیان امور، یافتن راه حلی برای مسأله‌ی بیکاری بوده است. به‌ویژه در بخش کشاورزی و روستایی که حجم و گستردگی آن در کشورهای در حال توسعه یک معضل به شمار می‌رود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹). مناطق روستایی ایران اغلب شامل گستره‌ای وسیع از زمین‌های حاصلخیز با خاک مرغوب و آب و هوای مناسب می‌باشد اما واضح است که منابع مادی و فیزیکی، بدون وجود نیروی انسانی ماهر، کارآمد و خلاق، به هدر رفته و سودی از آن حاصل نمی‌شود (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵). از این‌رو، ضرورت و اهمیت پژوهش پیرامون این موضوع و یافتن راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره‌برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است (آمدی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه به زعم بسیاری اندیشمندان، یکی از راهکارهای دستیابی به توسعه در جوامع، در مفهوم کارآفرینی نهفته شده است (کریمی، ۱۳۹۳)، زیرا کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. به همین دلیل پژوهش و مطالعه در زمینه‌ی کارآفرینی روستایی و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه‌ی روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ملاشاهی و تبریزی دخت‌فرد، ۱۳۹۳). بر این اساس می‌توان گفت، وجود یک برنامه‌ریزی هدفمند برای توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی در جامعه روستایی به منظور جلب نظر کارآفرینان و صاحبان سرمایه برای استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات این بخش برای پاسخگویی به تحولات و چالش‌های پیش‌رو و رفع آن‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (اعظمی و خاکی، ۱۳۹۳).

کارآفرینی یکی از ضروری‌ترین راه‌حل‌هایی است که جوامع امروزی در هزاره سوم با آن روبه‌رو هستند (بیگ زاده و همکاران، ۱۳۹۲). اهمیت توجه به کارآفرینی به حدی است که در سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا آن را به عنوان یکی از جنبه‌های مهم اقتصادی زندگی مورد توجه قرار داده است (Boore and Porter, 2011; Sahin and Asunakutlu, 2014). بایستی به این نکته نیز توجه داشت که تعاریف کارآفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی، متنوع است (صابر، ۱۳۸۲؛ Tshikuku, 2001; Cerami, 2005). پارسا و همکاران (۱۳۹۰) کارآفرینی را به عنوان یک انتخاب برانگیزاننده‌ی شغلی در نظر گرفتند که فرصتی را به منظور شرکت در یک نظام اجتماعی با تولید محصولات، خدمات و فرایندهای فناورانه‌ی جدید به وجود می‌آورد. تامسون (۲۰۰۰) کارآفرینی را فرآیندی می‌داند که در آن بتوان با استفاده از خلاقیت، محصولی جدید را همراه با ارزش جدید با استفاده از زمان، منابع، ریسک و به کارگیری دیگر عوامل به وجود آورد (بخشیان و رضاتبار، ۱۳۹۲؛ Patel and Chavda, 2013).

کارآفرینی در دنیای کنونی، در پی کشف روابط تعادلی بین روح و فکر و جسم است و در مجموع فرایند خلق ابتکارها و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کار جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع می‌باشد. اهمیت کارآفرینی در توسعه‌ی روستایی از آن جا ناشی می‌شود که فرد کارآفرین می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و مشکلات موجود، به ابداع راه‌کارهای نوین در جهت رشد و توسعه همت گمارد. بدین ترتیب کارآفرینی می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه‌ی روستایی داشته باشد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). امروزه توجه به روحیه‌ی کارآفرینی بین روستائیان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه روستایی محسوب می‌شود. روحیه کارآفرینی، ناحیه‌ای آگاهانه از ذهن تعریف می‌شود که توجه فردی، تجربیات و رفتار فرد را به سوی رفتار کارآفرینی هدایت می‌کند. روحیه کارآفرینی به قضاوتی درباره داشتن یک کسب و کار شخصی برای امرار و معاش و همچنین یک نقشه کلی منحصر به فرد برای کارآفرین شدن اشاره دارد (کرانی و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس (Pilllis and Reardo (2007 نیز روحیه کارآفرینی را به عنوان قصد شروع یک کسب و کار جدید تعریف می‌نمایند.

پژوهش‌های مختلف نشان داده اند که از جمله مهم‌ترین اهداف توسعه‌ی اقتصادی-چه در شهرها و چه در روستاها - ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازکار و ابزار آن، کارآفرینی است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). در زمینه‌ی شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی و ویژگی‌های کارآفرینان پژوهش‌های بسیاری در کشور صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل نقش گردشگری در توسعه‌ی ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستای کندوان و اسکندان شهرستان اسکون) پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که جوانان روستای کندوان نسبت به جوانان روستای اسکندان از ویژگی‌های کارآفرینانه بالاتری برخوردارند و دلیل آن تعاملات فرهنگی در اثر حضور

گردشگران و همچنین شکل‌گیری زیرساخت‌های اولیه و وجود فرصت‌های جدید در اثر گردشگری است. همچنین کرانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد روحیه کارآفرینی کشاورزان (مورد مطالعه: شهرستان کرمانشاه) پرداختند. نتایج نشان داد که بین روحیه کارآفرینی و عوامل اقتصادی، سازمانی، محیطی، شخصیتی، سن، تعداد فرزندان و میزان تحصیلات رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد. یزدانی و زمانی میاندشتی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی به بررسی سنجش روحیه کارآفرینی جوانان غیر شاغل ۱۵-۲۹ ساله (مورد مطالعه: روستای محسن آباد از توابع استان اصفهان) پرداختند. در این پژوهش روحیه کارآفرینی با هفت ویژگی شامل: ریسک‌پذیری، کنترل درونی، موفقیت‌طلبی، سلاست فکری، تحمل ابهام، رؤیاپردازی و عملگرایی سنجیده شد. یافته‌ها نشان داد عملگرایی و کنترل درونی بیشترین میانگین را دارا بوده و جنسیت، میزان تحصیلات والدین و شغل پدر بر روحیه کارآفرینی تأثیر داشتند. همچنین نصیری فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تحلیل روحیه کارآفرینی مدیران شرکت‌های تعاونی روستایی استان گیلان پرداختند. نتایج نشان داد ۵۳ درصد پاسخگویان از لحاظ روحیه کارآفرینی در سطح خوب و عالی قرار داشتند. همچنین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای همچون جنسیت، تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی، سابقه کسب و کار و سابقه مدیریتی سبب ایجاد اختلاف معناداری در روحیه کارآفرینی آنان شده است. همان‌گونه که در مروری بر پیش‌نگاشته‌های موضوع مورد پژوهش آشکار است روحیه‌ی کارآفرینی در میان جوامع مختلف متفاوت است. همچنین با توجه به پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهشگران، پژوهشی که روحیه‌ی کارآفرینی را در مردم روستانشین شهرستان باوی به‌طور منسجم بررسی کند، وجود ندارد.

شهرستان باوی به عنوان یکی از شهرستان‌های استان خوزستان، در ۳۰ کیلومتری شهر اهواز قرار داشته و دارای اقلیمی از نوع گرم و خشک می‌باشد. شهرستان باوی بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی در حدود ۹۶۴۸۳ نفر می‌باشد که از دو بخش مرکزی و ویس تشکیل یافته و مرکز آن شهر ملائانی می‌باشد. طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران شهرستان باوی از جهت بیکاری در جایگاه هفتم کشور قرار دارد. این شهرستان از جمله شهرستان‌های تازه تأسیس در استان خوزستان است و ظرفیت بسیار بالایی جهت توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی و دستیابی به توسعه روستایی دارد اما فراهم‌سازی این زیرساخت‌ها نیازمند شناخت روحیه‌ی کارآفرینی در میان مردم روستاهای منطقه است. لذا هدف اصلی این پژوهش، شناسایی وضعیت روحیه‌ی کارآفرینی روستاییان در بخش مرکزی شهرستان باوی است.

روش‌شناسی مطالعه

پژوهش حاضر، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-پیمایشی و از لحاظ هدف کاربردی به شمار می‌رود. ساکنین روستاهای بخش مرکزی شهرستان باوی به تعداد ۱۵۴۱۱ نفر به عنوان جامعه آماری این پژوهش در نظر گرفته شدند. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۱۴ نفر به صورت کاملاً تصادفی انتخاب گردیدند. در این تحقیق اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌ای که سؤالات آن پس از مشورت با صاحب‌نظران و مطالعه کافی طراحی و تدوین گردید، جمع‌آوری شد. پرسشنامه مذکور از دو بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخگویان و همچنین روحیه‌ی کارآفرینی تشکیل شده بود که بخش روحیه‌ی کارآفرینی به وسیله‌ی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (بسیار مخالفم، ...، بسیار موافقم) مورد سنجش قرار گرفت. روایی ظاهری و محتوایی عبارات پرسشنامه به وسیله‌ی جمعی از اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان تأیید شد. پایایی سؤالات پرسشنامه نیز به وسیله محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷) از طریق توزیع و تکمیل ۳۰ عدد پرسشنامه در مطالعه‌ی پیش‌آهنگ در میان روستاییان شهرستان اهواز مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسشنامه توسط نرم افزار SPSS (V20) توصیف و تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان در جدول شماره یک قابل مشاهده می‌باشد. همان‌گونه که نتایج جدول شماره یک نشان می‌دهد میانگین سنی پاسخگویان ۳۷/۲۹ سال با انحراف معیار ۱۰/۹۹ سال می‌باشد و جوان‌ترین و مسن‌ترین افراد پاسخ‌دهنده به ترتیب ۲۱ و ۶۹ سال سن داشتند. بیشترین تعداد اعضای خانواده پاسخگویان ۱۲ نفر و کمترین آنها ۱ نفر می‌باشد. میانگین تعداد افراد خانواده ۵/۹۰ می‌باشد. در بین افراد پاسخ‌دهنده، بیشترین سابقه کار ۵۰ سال و کمترین سابقه مربوط به پاسخگویانی که امسال، اولین سال شروع کاری آنها بوده است، میانگین سابقه کار ۱۵/۲۵ سال می‌باشد. میانگین میزان سواد پاسخگویان ۹/۵۹ سال بوده است، کمترین میزان سواد مربوط به پاسخگویان بی‌سواد و بیشترین میزان سواد مربوط به پاسخگویانی است که ۱۸ سال سابقه تحصیل دارند. بیشترین و کمترین میزان زمین آبی افراد پاسخ‌دهندگان به ترتیب ۳۰ و ۰ هکتار می‌باشد، میانگین و میزان زمین آبی ۶/۱۷ هکتار می‌باشد. میانگین میزان زمین دیم ۴/۹۷ بوده است. همچنین میانگین تعداد دام پاسخگویان ۱۶/۹۵ رأس، و کمینه و بیشینه میزان تعداد دام پاسخگویان به ترتیب صفر و ۳۸۰ رأس می‌باشد.

جدول شماره ۱، ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن	۳۷/۲۹	۱۰/۹۹	۲۱	۶۹
تعداد اعضای خانواده	۵/۹۰	۲/۵۰	۱	۱۲
سابقه کار کشاورزی	۱۵/۲۵	۱۲/۰۹	۰	۵۰
میزان سواد (بر اساس سال)	۹/۵۹	۵/۱۱	۰	۱۸
میزان زمین آبی (هکتار)	۶/۱۷	۶/۴۹	۰	۳۰
میزان زمین دیم (هکتار)	۴/۹۷	۴/۷۲	۰	۱۵
تعداد دام (رأس)	۱۶/۹۵	۴۶/۳۷	۰	۳۸۰

در نمونه‌ی مورد مطالعه ۵۷ نفر (۵۰/۴ درصد) از پاسخگویان کشاورز، ۲۱ نفر (۱۸/۶ درصد) کارمند، ۱۰ نفر (۸/۸ درصد) خانه‌دار و ۲۵ نفر (۲۲/۱ درصد) نیز دارای شغل آزاد بودند. با نگاهی دقیق‌تر در یافته‌های جمعیت شناختی پاسخگویان می‌توان بیان داشت که اگرچه تنها ۵۰/۴ درصد پاسخگویان دارای شغل اصلی کشاورزی هستند، اما به ترتیب ۱۰۲ و ۹۵ نفر نیز دارای زمین کشاورزی آبی و دیم می‌باشند؛ که این می‌تواند ناشی از رواج بالای شغل کشاورزی در منطقه حتی با وجود فاصله نزدیک روستاها به مرکز شهرستان باشد. در جدول شماره دو توزیع فراوانی سابقه راه‌اندازی کسب و کار جدید و همچنین تمایل به راه‌اندازی کسب و کار جدید نشان داده شده است.

جدول شماره ۲، توزیع فراوانی سابقه راه‌اندازی و تمایل به راه‌اندازی کسب و کار جدید

درصد معتبر فراوانی	فراوانی	سطوح متغیر
۵۵/۸	۶۳	بله
۴۴/۲	۵۰	خیر
-	۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۱۴	جمع
۶۰/۷	۶۸	بله
۳۹/۳	۴۴	خیر
-	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۱۴	جمع

سابقه راه‌اندازی کسب و کاری غیر کشاورزی داشته‌اید؟

در حال حاضر تمایلی به راه‌اندازی کسب و کاری جدید دارید؟

همان‌گونه که نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد، بیش از نیمی از مجموع ۱۱۴ نفر پاسخگو، (۵۵/۸ درصد) سابقه راه‌اندازی مشاغل غیرکشاورزی را داشته‌اند. همچنین در این میان بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۰/۷ درصد) تمایل به راه‌اندازی کسب و کار

جدید داشتند. این موضوع می‌تواند گویای آن باشد که در منطقه مورد نظر در صورتی که زیرساخت‌های لازم جهت توسعه کارآفرینی در محیط روستایی فراهم گردد، از سوی ساکنین با استقبال خوبی روبرو خواهد شد.

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج جدول شماره سه، متغیر ریسک‌پذیری دارای رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد با متغیر استقلال‌طلبی ($r=0/511$) می‌باشد. متغیر توفیق-طلبی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیرهای استقلال‌طلبی ($r=0/619$) و ریسک‌پذیری ($r=0/407$) در سطح یک درصد می‌باشد. متغیر اعتماد به نفس با متغیرهای استقلال‌طلبی ($r=0/600$)، ریسک‌پذیری ($r=0/643$) و توفیق‌طلبی ($r=0/595$) دارای رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد می‌باشد. در همین راستا متغیر خلاقیت با متغیرهای استقلال‌طلبی ($r=0/482$)، ریسک‌پذیری ($r=0/651$)، توفیق‌طلبی ($r=0/467$) و متغیر اعتماد به نفس ($r=0/608$) دارای رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد بوده است. لذا همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، تمامی متغیرهای مورد مطالعه‌ی روحیه‌ی کارآفرینی در این پژوهش رابطه‌آماری مثبت و معنی‌داری با یکدیگر دارند که این نتایج با نتایج پژوهش احمدی و احمدی (۱۳۹۱)، در خصوص بررسی ارتباط بین کارآفرینی و اطلاعات حسابداری در کسب و کارهای کوچک و متوسط، هم‌راستا می‌باشد.

جدول شماره ۳، رابطه‌ی میان متغیرهای پژوهش

استقلال‌طلبی	ریسک‌پذیری	توفیق‌طلبی	اعتماد به نفس	خلاقیت
۱				
۰/۵۱۱**	۱			
۰/۰۰۰				
۰/۶۱۹**	۰/۴۰۷**	۱		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
۰/۶۰۰**	۰/۶۴۳**	۰/۵۹۵**	۱	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
۰/۴۸۲**	۰/۶۵۱**	۰/۴۶۷**	۰/۶۰۸**	۱
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

به منظور بررسی تفاوت احتمالی میان میانگین متغیرهای استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، توفیق‌طلبی، اعتماد به نفس و خلاقیت پاسخگویان، بر حسب سطوح شغل پاسخگویان از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شد. همان‌گونه که در جدول شماره چهار مشاهده می‌گردد، میان میانگین متغیرهای ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس و خلاقیت بر حسب سطوح شغلی پاسخگویان تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد، این در حالی است که میان میانگین متغیرهای روحیه استقلال‌طلبی و توفیق‌طلبی بر حسب شغل پاسخگویان تفاوت

آماری معنی‌داری به ترتیب در سطح یک و پنج درصد وجود دارد، که این نتایج با نتایج مطالعه مرادی و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹) در متغیر استقلال طلبی، همسو و با متغیر خلاقیت، غیر همسو می‌باشد.

جدول شماره ۴، مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب سطوح شغل پاسخگویان

سطح معنی‌داری	آماره H	شغل پاسخگویان				متغیر
		آزاد (n=۲۵)	خانه‌دار (n=۱۰)	کارمند (n=۲۱)	کشاورز (n=۵۷)	
۰/۰۰۳**	۱۳/۶۳	۵۵/۴۶	۱۰	۳۶/۸۹	۵۶/۲۱	استقلال طلبی
۰/۲۰۲	۴/۶۱	۵۸/۳۲	۷۰/۴۵	۴۵/۱۰	۵۸/۴۵	ریسک‌پذیری
۰/۰۱۶*	۱۰/۲۷	۷۰/۹۶	۶۸/۷۰	۴۲/۷۴	۵۴/۰۸	توفیق طلبی
۰/۴۱۱	۲/۸۷	۶۳/۶۰	۶۱/۵۵	۴۷/۸۱	۵۶/۶۹	اعتماد به نفس
۰/۱۲۱	۵/۸۱	۶۸/۵۸	۵۰/۲۰	۴۶/۳۱	۵۷/۰۵	خلاقیت
		* معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد			** معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد	

به منظور مقایسه بین میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب جنسیت پاسخگویان از آزمون من‌ویتنی استفاده شد. مطابق نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره پنج نشان داده شده است، بین میانگین هیچ‌کدام از متغیرهای پژوهش بر حسب جنسیت پاسخگویان تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد. این موضوع می‌تواند گویای این موضوع باشد که روحیه‌ی کارآفرینی در میان مردان و زنان منطقه در یک سطح وجود دارد. این در حالی است که حجازی و میرشکاری (۱۳۸۷) در پژوهش خود گزارش کردند که اگرچه میان میانگین متغیرهای ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس و خلاقیت بر حسب جنسیت تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد، اما میان متغیرهای توفیق طلبی و استقلال طلبی بر حسب جنسیت پاسخگویان تفاوت آماری معنی‌داری در سطح پنج درصد گزارش شده است.

جدول شماره ۵، مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت		سطح معنی داری
	مرد (n=۹۴)	زن (n=۲۰)	
استقلال طلبی	۵۵/۲۶	۶۸/۰۳	۰/۱۱۶
ریسک پذیری	۵۶/۱۱	۶۴/۰۳	۰/۳۳۰
توفیق طلبی	۵۸/۷۵	۵۱/۶۳	۰/۳۸۱
اعتماد به نفس	۵۷/۴۱	۹۳/۱/۵	۰/۹۴۹
خلاقیت	۵۸/۲۸	۵۳/۸۵	۰/۵۸۶

از این منظر که اغلب ساکنین روستا دارای شغل اصلی کشاورزی می باشند، به منظور بررسی تفاوت های احتمالی میان میانگین متغیرهای استقلال طلبی، ریسک پذیری، توفیق طلبی، اعتماد به نفس و خلاقیت پاسخگویان در خصوص روحیه کارآفرینی آنها، به تفکیک سطوح سابقه کار کشاورزی پاسخگویی که دارای شغل کشاورزی بوده اند (بر اساس میانگین سابقه کار کشاورزی) از آزمون من ویتنی استفاده شد. چنانچه داده های جدول شماره شش نشان می دهد، بین میانگین دیدگاه پاسخگویان در خصوص متغیرهای استقلال طلبی و اعتماد به نفس بر حسب سابقه کار کشاورزی تفاوت آماری معنی داری در سطح یک درصد مشاهده شد. این در حالی که بین میانگین دیدگاه پاسخگویان در رابطه با متغیرهای ریسک پذیری، توفیق طلبی و خلاقیت بر حسب سطوح سابقه کاری کشاورزی تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد. بر اساس این نتایج می توان گفت پاسخگویان به دلیل این که سابقه کاری بالایی داشتند و به تبع آن تجربه بالایی نیز دارند از اعتماد به نفس و استقلال طلبی بیشتری نسبت به دیگر پاسخگویان برخوردار بوده اند.

جدول شماره ۶، مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب سطوح سابقه کار کشاورزی

متغیر	سابقه کار کشاورزی		سطح معنی داری
	بالاتر از ۱۶ سال (n=۲۶)	کمتر از ۱۶ سال (n=۲۸)	
استقلال طلبی	۳۲/۵	۲۲/۸۶	۰/۰۲۴*
ریسک پذیری	۲۸/۱۰	۲۶/۹۵	۰/۷۸۸
توفیق طلبی	۲۸/۹۴	۲۶/۱۶	۰/۵۱۶
اعتماد به نفس	۳۲/۶۹	۲۲/۶۸	۰/۰۱۹*
خلاقیت	۵۸/۲۸	۵۳/۸۵	۰/۵۸۶

* معنی داری با اطمینان ۹۵ درصد

به منظور سنجش تفاوت احتمالی میان میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب داشتن یا نداشتن سابقه راه اندازی کسب و کار غیر کشاورزی از آزمون t استفاده شده است. مطابق نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره هفت نشان داده شده است، بین

میانگین هیچ کدام از متغیرهای پژوهش بر حسب سابقه راه‌اندازی کسب و کار غیرکشاورزی تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد. این نتایج با نتایج مطالعات احمدی و احمدی (۱۳۹۱)، نصیری فرد و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت ندارد زیرا آنان اعلام کرده‌اند که سابقه کسب و کار کوچک رابطه‌ی آماری معنی‌داری با روحیه کارآفرینی پاسخگویان داشت.

جدول شماره ۷، مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب سطوح سابقه راه‌اندازی کسب و کار غیرکشاورزی

متغیر	سابقه راه‌اندازی کسب و کار غیرکشاورزی	
	بله (n=۶۸)	خیر (n=۴۴)
استقلال‌طلبی	۵۶/۲۵	۵۶/۸۹
ریسک‌پذیری	۴۵/۸۳	۴۵/۱۶
توفیق‌طلبی	۴۶/۶۶	۴۴/۶۵
اعتماد به نفس	۳۲/۳۲	۳۱/۷۳
خلاقیت	۲۱/۹۵	۲۲/۸۸

به منظور بررسی تفاوت احتمالی میان میانگین متغیرهای استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، توفیق‌طلبی، اعتماد به نفس و خلاقیت، به تفکیک سطوح تعداد اعضای خانواده پاسخگویان از آزمون t استفاده شد. بدین منظور تعداد اعضای خانوار پاسخگویان بر حسب میانگین تعداد اعضا (۵ نفر) به دو دسته تقسیم گردیدند. همان‌گونه که در جدول شماره هشت قابل مشاهده است، بین میانگین دیدگاه پاسخگویان در خصوص متغیرهای استقلال‌طلبی، توفیق‌طلبی، اعتماد به نفس و خلاقیت بر حسب تعداد اعضای خانواده تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد، اما بین میانگین متغیر ریسک‌پذیری تفاوت آماری معنی‌داری بر حسب تعداد اعضای خانوار در سطح پنج درصد وجود دارد. بر اساس این نتایج می‌توان گفت که احتمالاً خانواده‌هایی که تعداد اعضای آن‌ها بیشتر است به این دلیل که نیروی کار زیادی دارند و خواهان شغل برای آن‌ها می‌باشند، قدرت ریسک‌پذیری بالاتری نسبت به خانواده‌های با تعداد اعضای کمتر دارند.

جدول شماره ۸، مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر حسب سطوح تعداد اعضای خانواده

متغیر	تعداد اعضای خانواده		سطح معنی داری
	بیشتر از ۵ نفر (n=۵۸)	بیشتر از ۵ نفر (n=۵۸)	
استقلال طلبی	۵۶/۷۷	۰/۱۶۳	۰/۸۷۱
ریسک پذیری	۴۸/۲۳	۲/۴	۰/۰۱۸*
توفیق طلبی	۴۵/۴۱	۰/۷۳۳	۰/۴۶۵
اعتماد به نفس	۳۲/۰۱	۰/۱۸۷	۰/۸۵۲
خلاقیت	۲۲/۸۹	۱/۶	۰/۱۱۲

نتیجه گیری

کارآفرینی روستایی تنها به معنای ایجاد اشتغال برای قشر عظیم روستاییان نیست، بلکه می‌تواند گامی در راستای توسعه‌ی همه‌جانبه روستایی باشد. با وجود آگاهی از این مهم، می‌بایست ابتدا نیازهای اساسی زندگی روستایی و همچنین معضل بیکاری درون جوامع مرتفع گردد تا پس از آن بتوان به سایر ابعاد کارآفرینی نیز توجه نمود. به طوری که توجه به کارآفرینی روستایی با نگرش به مشکلات موجود در این نواحی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در همین راستا هدف کلی این پژوهش شناسایی وضعیت روحیه‌ی کارآفرینی روستاییان بخش مرکزی شهرستان باوی بود. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل فردی تفاوت آماری معنی‌داری با متغیرهای مؤثر بر روحیه کارآفرینی دارند. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

- با توجه به میزان تأثیر متغیر استقلال طلبی در روحیه کارآفرینی، پیشنهاد می‌شود از طرف سازمان‌های حمایتی تسهیلات و امکانات بیشتری در اختیار روستاییان قرار بگیرد تا آن‌ها بتوانند توانمندی‌ها و فکرهای سازنده خود را در راستای امرار معاش از حالت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل کنند. این تسهیلات باید بر مبنای توانایی‌ها و بسترهای اجتماعی و همچنین نیازهای منطقه باشند تا بتوانند زمینه‌های رشد سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی و برون‌گروهی آنان را فراهم آورند.
- پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی لازم جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی - ترویجی در زمینه کارآفرینی و خلاقیت در منطقه مورد مطالعه، انجام شود تا با اجرای این دوره‌ها روستاییان در ارتباط با راه‌اندازی یا استمرار حضور در تشکلهای خود تشویق شوند. در این راستا می‌توان از ظرفیت گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان که در این شهرستان واقع شده است، استفاده نمود.
- مفهوم ریسک‌پذیری به عنوان عنصر مرکزی در فرآیند تصمیم‌گیری، در ساختارهای متفاوتی به کار می‌رود و دارای معانی متعددی می‌باشد. با توجه به اهمیت بالای متغیر ریسک‌پذیری در ایجاد روحیه کارآفرینی روستاییان، پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آموزشی در خصوص ریسک، انواع آن و نحوه‌ی مقابله با آن در منطقه مورد مطالعه برگزار شود تا بدین وسیله بتوان

حس کارآفرینی روستاییان را تحریک نمود. نیاز به استقلال از ویژگی‌هایی است که به عنوان یک نیروی انگیزشی مهم برای کارآفرینان بر آن تأکید شده است. در واقع، این نیاز را می‌توان با عباراتی نظیر «کاری را برای خود انجام دادن»، «کنترل داشتن بر سرنوشت خویش» و «رئیس خود بودن» تعریف کرد. در این راستا، لازم است که مسئولان و برنامه‌ریزان شهرستان، روستاییان را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده، تا بتوان حس استقلال طلبی و اعتماد به نفس را در میان آن‌ها برانگیخت. در این راستا، می‌توان سازوکارهایی را اندیشید تا روستاییان منطقه، بتوانند ارتباطات نزدیک‌تری با مسئولان شهرستان برقرار نمایند.

منابع

- آبتین، ع. (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های نوین توسعه کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان. ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۵، شهریور ماه ۱۳۹۰. صفحات ۵۵ تا ۷۵.
- احمدی، ف. و احمدی، ا. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین کارآفرینی و اطلاعات حسابداری در کسب و کارهای کوچک و متوسط (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری). گاهنامه پژوهشی دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱. صفحات ۱-۱۲.
- اعظمی، م. و خاکی. (۱۳۹۳). بررسی نقش دهیارها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی. دومین همایش بین‌المللی توسعه روستایی، ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۹۳، دانشگاه تربت حیدریه.
- آمدی، ا. مک محمدی، ا. و حسینی نیا، غ. (۱۳۸۸). تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر ترویج کارآفرینی در تعاونیهای کشاورزی تهران. تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، دی و بهمن ۱۳۸۸. صفحات ۱۷ تا ۳۴.
- امیدی نجف‌آبادی، م. و سلطانی، ش. (۱۳۸۵). کارآفرینی و زنان روستایی. مجله جهاد، شماره ۲۷۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۵. صفحات ۵۶-۷۹.
- بخشیان، ع. و رضاتبار، م. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر هوش سازمانی بر بعد خلاقیت کارآفرینی (مطالعه موردی: اعضای هیات علمی دانشگاه مازندران). مجموعه مقالات همایش کارآفرین، صنعت دانش محور دانشگاه مازندران. صفحات ۱ تا ۱۳.
- بیگ زاده، ف. قاسمی دهنوئی، ز. و حری، ز. (۱۳۹۲). نقش و جایگاه کارآفرینی در مدیریت جامعه. مجموعه مقالات همایش کارآفرین، صنعت دانش محور دانشگاه مازندران. صفحه ۱.
- پارسا، ع. عبدالوهابی، م. و ظریف، س. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شیوه‌های حل مسأله بر شخصیت کارآفرینانه (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۰. صفحات ۱۴۵ تا ۱۶۴.
- حجازی، ی. و میرشکاری، ع. (۱۳۸۷). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در بین فارغ‌التحصیلان کشاورزی (مطالعه موردی: استان بوشهر). مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷. صفحات ۴۹ تا ۶۰.
- حسینی، م. حسینی، ج. ف. و سلیمانپور، م. ر. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد تهران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره ۲-۴۱، شماره ۳، ۱۳۸۹. صفحات ۳۵۹ تا ۳۶۸.
- خسروی پور، ب. مهربان قوچانی، ا. و بوعدار، م. (۱۳۹۲). زنان روستایی و کارآفرینی: ضرورت، چالش‌ها و راهکارها. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۵. صفحات ۵۵ تا ۶۲.
- دادورخانی، ف. رضوانی، م. ر. قشلاق، س. ا. و بوذرجمهری، خ. (۱۳۹۰). تحلیل نقش گردشگری در توسعه‌ی ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه موردی: روستای کندوان و اسکندران شهرستان اسکو). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۷، زمستان ۱۳۹۰. صفحات ۱۶۹ تا ۱۹۵.

رضوانی، م. و نجارزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه‌ی نواحی روستایی. توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷. صفحات ۱۶۱ تا ۱۸۲.

صابر، ف. (۱۳۸۲). راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم، تهران.

کرانی، ز. منوری‌فرد، ف. و صالحی، ل. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد روحیه کارآفرینی کشاورزان (مورد مطالعه: شهرستان کرمانشاه). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳. صفحات ۳۱۵ تا ۳۲۲.

کریمی، س. (۱۳۹۳). نقش کارآفرینی در توسعه روستایی. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی توسعه روستایی، ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۹۳.

کلانتری، خ. (۱۳۹۱). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مهندسین مشاور طرح و منظر.

مرادی، ح. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز). توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۸۹. صفحات ۱۴۱ تا ۱۶۱.

ملاشاهی، غ. و تبریزی دخت فرد، ا. (۱۳۹۳). اهمیت کارآفرینی و نقش آن در توسعه جوامع روستایی. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. سال دوازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۳. صفحات ۲۸ تا ۳۲.

نصیری فرد، ا. اللهیاری، م. ص. و دقیقی ماسوله، ز. (۱۳۹۳). تحلیل روحیه کارآفرینی مدیران شرکت‌های تعاونی روستایی استان گیلان. تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۳. صفحات ۱۳۳ تا ۱۵۵.

یزدانی، ز. و زمانی میاندشتی، ن. (۱۳۹۱). سنجش روحیه کارآفرینی جوانان غیر شاغل ۱۵-۲۹ ساله (مورد مطالعه: روستای محسن آباد از توابع استان اصفهان). مجموعه مقالات چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران، کرج، ۱۳۹۱.

Boore, J. & Porter, S. (2011). Education for entrepreneurship in nursing. *Nurse Education Today* 31 (2011) 184-171.

Cerami, A. (2005). Social policy in central and eastern Europe. The emergence of a new European model of solidarity? Universität Erfurt. Staatswissenschaftliche Fakultät. Dissertation zur Erlangung des Grades eines Doktors der Sozialwissenschaft (Dr.rer.pol.) der Universität Erfurt, Staatswissenschaftliche Fakultät.

De Pillis, E. & Reardon, K. K. (2007). The influence of personality traits and persuasive messages on entrepreneurial intention: A cross-cultural comparison. *Career Development International*, 12(4), 382-396.

Patel, B. & Chavda, K. (2013). Rural Entrepreneurship in India: Challenge and Problems. *International Journal of Advance Research in Computer Science and Management Studies*, 1(2).

Şahin, T. K. & Asunakutlu, T. (2014). Entrepreneurship in a Cultural Context: A Research on Turks in Bulgaria. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 851-861.

Tshikuku, K. (2001). Culture, entrepreneurship and development Africa. International conference on the cultural approach to development in Africa. 10-14 December 2001. Dakar- Senegal.

Identifying the status of entrepreneurship spirit of the villagers; the case of the Central District of Bawi Township

Bahman Khosravipour¹, Behnam Hemmati², Samira Jaberi³, Omid M. Ghoochani³

- 1- Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran.
- 2- M.Sc. Graduate, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran.
- 3- Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran.

Abstract

Since in the most parts of the world, rural are poor areas which are eroding, in this regards, scholars and policy-makers all over the world pay special attention to rural development and try to solve their problems. One of the most their important issues are economic difficulties or lack of income, but, various studies showed the most important strategy for economic development in cities and also in rural areas is job creation and its most important mechanisms and tools is entrepreneurship. In this regards, the main objective of this study was to identify the entrepreneurial status of the villagers in the central part of Bawi district, Khuzestan province. The statistical population of this study included total villagers of Bawi district (N=15411) which among them 114 people selected randomly using the Cochran formula. Data was collected using a researcher-made questionnaire which its reliability and validity confirmed by a panel of experts and calculation of Chronbach's alpha (more than 0.7). Data analysis was conducted using the Statistical Package for Social Sciences (SPSS) for Windows version 20. Five factors of entrepreneurship spirit identified through literature review Investigated in the statistical sample and the results showed there is a significant association between all five factors (P=99%). According to the results, there is a meaningful difference between the means of independence and achievement's factors by respondents' job and also between independence and self-reliance by agricultural experience.

Keywords: Entrepreneurship spirit, villagers, Bawi district.